

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2024; 16: e4

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

A Review of the Treatment of Medical Prescriptions in some Medical and Literary Works

Mozhde Sharafkhah¹, Ali Reza Taheri^{1*}

1. Department of Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of Theoretical Sciences and Advanced Art Studies, University of Arts, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Book illustration has played a significant role in popularizing ideas and making literary, scientific and historical texts more accessible. In other words, art has made science less complicated and easier to understand for the general reader. Examining therapy-themed literary books from the Islamic Age leads us to medicine as the origin of the medical writing they contain. Pictures in Islamic medical manuscripts depict subjects discussed in the text, such as human and animal dissection, therapeutic procedures, disease prevention and medicinal properties of herbs. It seems that dealing with the treatment methods of doctors and prescribing them in literary texts and its depiction in literary versions of the Islamic period has not been paid much attention by researchers. Among the cases of this research. Until now, there have been researches about the prescription of doctors, which mostly referred to treatment methods. However, there has not been a research that specifically evaluates the effect of medical texts and imagery, especially therapeutic writing in literary versions. As the evidence shows, only a handful of Persian doctors wrote on therapeutic procedures; the same doctors who were the most prolific in their field and produced comprehensive theories. Among these physicians were Abu Bakr al-Razi, Avicenna and Zayn al-Din Jorjani the three most influential figures of their day in medicine and in literary medical writing.

Methods: Conducted as descriptive-analytical research, the study explored the relationship between medicine and artworks found in medicine-related literary books, aiming to answer one specific question: To what extent was the medical writing in Islamic literary books influenced by theoretical medical discussions and clinical instructions.

Ethical Considerations: In this research, honesty and trustworthiness have been observed in the use of historical sources.

Results: This article looks exclusively at the therapeutic procedures prescribed by Islamic physicians, showing how medical illustrations and discussions of clinical treatment methods in literary works reflect their authors' substantial familiarity with medicine.

Conclusion: The results of this study show that by depicting the scientific prescription, the prescriptions of doctors and treatment methods have made their way into the literature, have been removed from the circle of theoretical and practical medicine and have been found and published in the context of the illustrated prescription.

Keywords: Medical Illustration; Medical Writing; Illustrated Manuscripts; Persian Medicine; Medicine in Literature

Corresponding Author: Ali Reza Taheri; **Email:** Al.Taheri@art.ac.ir

Received: July 15, 2023; **Accepted:** April 24, 2024; **Published Online:** June 20, 2024

Please cite this article as:

Taheri AR, Sharafkhah M. A Review of the Treatment of Medical Prescriptions in some Medical and Literary Works. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2024; 16: e4.



مطالعه شیوه درمان‌نگاری تجویزهای پزشکی ارائه‌شده در آثار طبّی و ادبی

مژده شرفخواه^۱، علیرضا طاهری^{۱*} 

۱. گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تصویرگری نسخ، کمک شایانی به ترویج مفاهیم و درک متون ادبی، علمی و تاریخی نموده و سبب شده تا هنر از پیچیدگی متون علمی بکاهد و فهم آن‌ها را تسهیل نموده و عمومیت بخشد. به عبارت دیگر، هنر از پیچیدگی علم می‌کاهد و درک آن برای خوانندگان عمومی آسان‌تر کرده است. بررسی کتاب‌های ادبی با مضمون درمانی از عصر اسلامی ما را به سمت پزشکی به عنوان منشأ نوشتارهای پزشکی که در آن‌ها وجود دارد، سوق می‌دهد. تصاویر موجود در نسخه‌های خطی پزشکی اسلامی، موضوعات مورد بحث در متن را به تصویر می‌کشد، مانند تشریح انسان و حیوان، روش‌های درمانی، پیشگیری از بیماری و خواص دارویی گیاهان. به نظر می‌رسد برخورد با روش‌های درمانی پزشکان و تجویز آن‌ها در متون ادبی و ترسیم آن در نسخه‌های ادبی دوره اسلامی مورد توجه محققان قرار نگرفته است. تاکنون پژوهش‌هایی درباره تجویز پزشکان انجام شده که بیشتر به روش‌های درمانی اشاره داشته‌است. با این حال، تحقیقاتی که به طور خاص تأثیر متون پزشکی و تصاویر، به ویژه درمان‌نگاری در نسخه‌های ادبی را ارزیابی کند، انجام نشده است. همانطور که شواهد نشان می‌دهد، تنها تعداد انگشت‌شماری از پزشکان فارسی در مورد روش‌های درمان نظریه‌های جامعی نوشتند، از جمله ابوبکر رازی، ابن سینا و اسماعیل جرجانی که سه شخصیت تأثیرگذار در پزشکی و در درمان‌نگاری پزشکی بودند.

روش: روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و سایت‌های معتبر علمی گردآوری شده است. در این پژوهش تلاش شده است رابطه علم طب را با آثار تصویری نسخ ادبی دارای متون طبّی مورد بررسی و مطالعه قرار دهد و بدین پرسش پاسخ دهد که درمان‌نگاری‌های موجود در نسخ ادبی تا چه اندازه به بحث‌های نظری طب و تجویز پزشکان ایرانی مرتبط بوده است؟ بر این اساس، ارتباط بین سه متغیر طب، ادبیات و تصویر در اثر هنری، مد نظر قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این پژوهش، اصل امانتداری و صداقت استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.

یافته‌ها: نسخ ادبی به فهم متون طبّی کمک وافری کرده و آن را از بافت پیچیده و تخصصی رها کرده و به آن ظرافت‌های ادبی و روایی بخشیده است. بیشترین تأثیر درمان‌نگاری و تجویزهای پزشکی در درمان‌نگاری نسخ ادبی را می‌توان از طبیبانی همچون زکریای رازی، ابن سینا و جرجانی مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری: نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که با تصویرسازی نسخ علمی، تجویزهای پزشکان و راه‌های درمان به ادبیات راه پیدا کرده، از دایره طب نظری و عملی خارج شده و در بستر نسخ مصور نمود پیدا کرده و انتشار یافته است.

واژگان کلیدی: تصویرنگاری پزشکی؛ درمان‌نگاری؛ نسخ مصور؛ طب ایرانی؛ طب ادبی

نویسنده مسئول: علیرضا طاهری؛ پست الکترونیک: Al.Taheri@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Taheri AR, Sharafkhah M. A Review of the Treatment of Medical Prescriptions in some Medical and Literary Works. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2024; 16: e4.

مقدمه

با کنکاش در متون ادبی با مضمون درمانی می‌توان دریافت ریشه درمان‌نگاری در نسخ ادبی به علم طب بازمی‌گردد. در برخی موارد، شیوه‌های درمانی طب در متون ادبی انعکاس نموده‌اند، به نحوی که به نظر می‌رسد نویسندگان آثار ادبی در خصوص نسخه‌های درمانی ارائه‌شده در نسخ طبی آگاهی کافی داشته‌اند. بنابراین برای دستیابی به شیوه‌های درمانی (به ویژه بالینی) در دوران مختلف گذشته می‌توان از متون ادبی و تصاویر این نسخ به عنوان منابع مستدل استفاده نموده و اهمیت و کاربرد عملی این شیوه‌ها را در حوزه درمانی جامعه آن روزگار دریافت.

تاریخ دقیقی نمی‌توان برای شروع تصویرنگاری نسخ مشخص کرد، اما با تکیه بر گزارش‌های تاریخی بزرگانی همچون طبری و بیهقی می‌توان به وجود و رواج نقاشی و تصویرپردازی در قرون اولیه پی برد. «در مکتب بغداد - سده ششم و هفتم قمری - تصویرپردازی نسخ ادبی در زمینه‌های اخلاقی، تعلیمی، عاشقانه و تغزلی گسترش یافته و بر نسخ مصور علمی در زمینه‌های فلسفه، نجوم، طب و تاریخ تأکید شده بود. این مهم سبب جذابیت متون علمی و فهم آسان‌تر گردید، به طوری که در قرن‌های متمادی گسترش و تعمیم یافت» (۱). برخی از نسخ طبی دوره اسلامی شامل تصاویری مرتبط با موضوع و متن است، نظیر تشریح بدن انسان و حیوان، شیوه‌های درمان، پیشگیری، خواص گیاهان و... در این تحقیق تنها به شیوه‌های درمان که توسط حکیمان و اطبا تجویز گردیده، پرداخته شده است. تصویرنگاری نسخ علمی و پرداختن به روش‌های درمان بالینی در نسخ ادبی به آگاهی و آشنایی نویسندگان و ادبا به علم طب ارجاع دارد.

به نظر می‌رسد پرداختن به روش‌های درمان پزشکان و تجویز آنان در متون ادبی و تصویرسازی آن در نسخ ادبی دوره اسلامی، چندان مورد توجه محققین قرار نگرفته است. از این روی، خوانش متون ادبی از منظر پزشکی و شیوه‌های درمان، از جمله موارد این پژوهش می‌باشد. تاکنون پژوهش‌هایی درباره تجویز پزشکان و طبیبان که اکثراً به روش‌های درمان

زکریای رازی، ابن سینا و جرجانی اشاره داشته‌اند، انجام شده است. همچنین مقالاتی درباره پزشکان ایرانی و شیوه‌های درمان آن‌ها و تأثیراتشان در پزشکی مدرن به زبان‌های فارسی و لاتین در دسترس است، اما پژوهشی که به طور مشخص تأثیر متون طبی و تصویرگری به ویژه درمان‌نگاری در نسخ ادبی را مورد ارزیابی قرار دهد، صورت نگرفته است.

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی برخی نسخ ادبی و طبی و درمان‌نگاری تجویزهای پزشکان و راه‌های درمان پیشنهادشده در آن‌هاست. این پژوهش در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که تصویرنگاری و درمان‌نگاری‌های ذکرشده در نسخ ادبی و طبی تا چه اندازه به تجویز پزشکان ایرانی همعصر یا پیش از آن منطبق بوده است؟

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی کتاب‌های کهن در زمینه تاریخی، ادبی، هنری و طبی و نیز مقالات گوناگون در این حوزه پرداخته شد. بنا به ماهیت موضوع و با استناد به واژگان کلیدی همچون تصویرنگاری پزشکی، درمان‌نگاری، نسخ مصور، طب ایرانی، طب ادبی جستجو در پایگاه‌های اینترنتی Science Direct، PubMed، Scopus، SID، NoorMags و Google Scholar صورت گرفت.

روش کار نیز بررسی میزان تطابق تجویزهای پزشکان ایرانی و نحوه درمان‌نگاری در نسخ ادبی است که با استناد به منابع تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها این مهم دریافت شده است.

یافته‌ها

۱. **تاریخچه طبابت و درمان در دوران اسلامی:** ایرانیان و مسیحیان نسطوری از امپراتوری روم شرقی، در گندی‌شاپور

مکتب پزشکی معتبری تأسیس کرده بودند. برخی از این پزشکان به دمشق و بغداد رفته و مکتب پزشکی را ادامه دادند. دانش آن‌ها بر طب یونانی استوار شده بود؛ نظریات و رساله‌های پزشکی یونان باستان در مرکز جریان اصلی پزشکی اسلامی قرار گرفت، با آغاز جنبش ترجمه، انتقال آثار یونانی به عربی شدت گرفت. یکی از منابع معتبر پزشکی یونانی، کتاب «دی ماتریا مدیکال (De Materia Medica)» - مبانی پزشکی و کاربرد داروهای گیاهی، جانوی، معدنی و زهرشناسی

- بود که در قرن اول میلادی توسط یک جراح یونانی به نام «دیوسکوریدس پدانیوس آنازاری (Pedanius Dioscorides)» نوشته شده بود. کتاب دیوسکوریدس منبع اصلی استخراج داروها و گیاهان بود. هنگامی که دانشمندان اوایل قرن سوم قمری مانند حنین بن اسحاق اولین ترجمه‌های پزشکی یونانی به عربی را انجام دادند، این ترجمه‌ها به سرعت به آثار معتبری در این زمینه تبدیل شدند.



تصویر ۱: طبیب و بیمار، کتاب دیسکوریدوس، ۶۲۱ قمری، عراق، کتابخانه هاروارد مجموعه ساکس (۲).

مسلمانان علوم را در زمینه‌هایی نظیر پزشکی، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و... از مراکزی همچون اسکندریه مصر و جندی شاپور فرا گرفته و آن را با آموزه‌های اسلامی منطبق کردند و سپس شروع به تألیف، تصحیح و بومی‌سازی نوشته‌های افلاطون، ارسطو، بقراط (Hippokrátēs) و جالینوس (Claudius Galenus) کردند. شایان ذکر است «اولین برخورد و آشنایی در این زمینه نه از راه ترجمه این آثار، بلکه از طریق پزشکان انجام گرفت. پزشکانی که در زمان فتح، به سرزمین‌های اسلامی سرازیر شدند» (۳). بنابراین پس از اینکه تمدن اسلامی از لحاظ فرهنگی و جغرافیایی به ثبات نسبی رسید، می‌توان انتظار ترجمه آثار فارسی، یونانی، پهلوی و

هندی را به عربی داشت که مهم‌ترین آثار و منبع علوم در تمدن اسلامی به شمار می‌رفت. از دیگر سوارگرایش مسلمانان به توصیه‌های کتاب مقدس - قرآن - و احادیث بزرگان و پیامبر (ص) سبب روی کار آمدن طب النبوی، یکی از ارکان پزشکی اسلامی در باب توصیه‌های درمانی و بهداشتی اسلامی شد. به این ترتیب مترجمان و مؤلفان آن را با نظریات پزشکی مکتب یونان خلط کردند. این هم‌اندیشی سبب استحکام جایگاه طب اسلامی شد. بنابراین «طب اسلامی ترکیبی از سنت‌های بقراطی و جالینوسی پزشکی یونانی با نظریه‌ها و جنبه‌های عملی طب ایرانی و هندی در زمینه کلی اسلام به وجود آمد. از این جهت جنبه ترکیبی دارد» (۴). حوزه‌های

درمانی و شیوه‌های بالینی طب اسلامی با داستان‌های پهلوانان و روایت‌های ادبی و تاریخی درآمیخت و تصویرپردازی شد. نسخ مصور همچون شاهنامه، خمسه نظامی و تک‌برگ‌های مربوط به قرون اولیه اسلامی، در موضوعات درمان بیماری‌ها توسط گیاهان و حیوانات، شیوه‌های درمان و انواع بیماری‌ها و...، گواه این مدعاست. شایان ذکر است همگام با تأثیر و تأثیرات فرهنگی، علمی، هنری و ادبی در تمدن‌های همجوار، توصیه‌های درمانی، شیوه‌های بالینی و رسالات و نظریات پزشکی نیز از مرزها فراتر رفت و در یک گفتمان مشترک و به واسطه سنت تصویرگری در داستان‌ها، روایات، شعر و حکایات دیگر تمدن‌ها نفوذ نمود. مشاهده کتاب‌هایی با موضوعات و تصاویر مشابه در تمدن‌های همجوار، نمونه بارز اهمیت و کاربرست شیوه‌ها و توصیه‌های پزشکی است که در اعصار گوناگون تکرار شده است. با تکیه بر اسناد و منابع، رویکرد درمان‌نگاری تنها به برخی از پزشکان و طبیبان محدود است،

افرادی که بیشترین تجویزهای درمانی و طبابت را داشته و نظریاتشان در این باب جامع‌الاطراف بوده است. بنا به اظهارات محققان، نخستین توصیف بعضی از دردها، داروها و درمان آن‌ها را به ابن سینا، رازی و کم و بیش به جرجانی نسبت داده شده است. به این طریق شرح بعضی از معالجات طبی این پزشکان از حدود علم طب تجاوز کرد و در ادبیات فارسی و عربی نیز وارد شد. برخی از این داستان‌ها چندان رواج پیدا کرد که صوفیان آن را تغییر شکل داده و به صورت داستان‌های عرفانی درآورده‌اند و برخی دیگر از آن‌ها به صورت جزئی از معارف عامیانه مسلمانان درآمده است (۴). برون‌روی نظریات ایشان به دیگر تمدن‌های اسلامی، سبب شد رسالات این پزشکان در حوزه درمان - بالینی و شیوه‌های درمان بیش از دیگر پزشکان مطمح نظر باشد. بنابراین نظریاتشان مبانی درمان‌نگاری نسخ مصور قلمداد شد.



تصویر ۲: جالینوس در میان مردمان، کتاب التریاق نسخه کتابخانه ملی فرانسه (۵).

۲. **پزشکان نامدار طب ایرانی - اسلامی:** شکوفایی پزشکی اسلامی در قرن چهارم و پنجم در دو اثر بزرگ به نام «المنصوری فی الطب» و دیگری «الحاوی» توسط زکریای رازی شاگرد علی بن ربن طبری که کتاب «فردوس الحکمه» خویش را از تعلیمات بقراط و جالینوس اقتباس کرده بود، نمایان شد. کتاب طبری «نخستین مجموعه در داروشناسی،

آسیب‌شناسی و پرهیز از بیماری‌ها است و آشکارا ماهیت ترکیبی و التقاطی مکتب طب اسلامی را در خود جای داده است» (۴). رازی در سال ۲۴۰ قمری در ری متولد شد. رازی به دلیل تألیفات و نبوغی که در علم طب داشت، به جالینوس عرب نامیده شد.



تصویر ۳: نشانه‌های آبله بر روی چهره مومیایی‌شده رامسس پنجم (۶).

جالینوس (۲۰۰-۱ م.) از پزشکان یونان بعد از بقراط است. آثار وی از نخستین متونی بود که ترجمه و تشریح شد. جالینوس از آنجایی که در فهم و تفسیر آثار بقراط برتری داشت، توانست نظریات پزشکی را به صورت روش‌مند ارائه دهد (۷). این مهم سبب شد آثار وی در سرتاسر اروپا و جهان اسلام به عنوان منبع آموزش پزشکی شناخته شود. جالینوس که مسلماً موفق‌ترین محقق پزشکی دوران باستان بود، به درک بسیاری از رشته‌های علمی از جمله آناتومی، فیزیولوژی، آسیب‌شناسی، فارماکولوژی و عصب‌شناسی و همچنین فلسفه و منطق کمک زیادی کرد. اولین مترجم آثار جالینوس «حنین بن اسحاق مسیحی سوری» (۸۳۰ تا ۸۷۰) بود که ۱۲۹ اثر «جالینوس» را به عربی ترجمه نمود.

رازی «نخستین پزشک در سبک معالجات جدید» (۸) و به «عنوان اولین کسی است که از روش علمی مبتنی بر شواهد دقیق، در پزشکی استفاده کرد. رازی در شناخت و تشخیص بیماری‌های روان‌پزشکی کاربردی و نورولوژی (Neurology) کاربردی پیشگام بوده است» (۹)، تا جایی که نظامی عروضی در چهارمقاله روایت درمان بیمار روانی یا بیماری‌هایی که

رازی به عنوان مرض غیر عادی از آن یاد می‌کرد را آورده است. کتاب الحاوی رازی به عنوان منبع اصلی در طب اسلامی، از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول شامل نامگذاری داروها که بالغ بر ۸۲۹ عدد است. در قسمت دیگر رازی شروع به نوشتن روایت‌های بیماران، نقاط ضعف و یادداشت‌برداری از احوالات بیماران کرده است. این مهم که به نوعی «تشخیص افتراقی (Differential Diagnosis)» نامگذاری شده است، اولین بار توسط رازی ابداع گردید. کتاب الحاوی وی را می‌توان دایره‌المعارفی در باب «بهداشت، درمان دارویی و پرهیز از بیماری‌ها و علامات آن‌ها و همچنین هر آنچه برای معرفت طبیب ضرورت دارد، دانست» (۱۰). «تبحر رازی در کالبد شکافی را می‌توان از کتاب المنصوری وی دریافت که در این مهم از سنت جالینوسی پیروی می‌کرد» (۴). رازی کتاب‌ها و رسالات بی‌شماری تألیف کرد که هر کدام در موضوعاتی همچون شیوه‌های درمان فوری یا کتاب‌هایی که به بیمار کمک می‌کرد در مواقعی که به طبیب دسترسی ندارد از آن‌ها استفاده کند، دسته‌بندی شده است.



تصویر ۴: نسخه خطی عثمانی، قرن هفدهم، ابن سینا برای درمان بیماری آبله، دارو آماده می‌کند، کتابخانه دانشگاه استانبول (۱۱).

«قدیمی‌ترین رساله در باب سرخک و آبله به نام‌های «الجدری» و «الحصبه» و همچنین رساله‌ای در مورد قولنج متعلق به رازی است. وی اولین کسی است که بین آبله و سرخک تمایز قائل شد» (۹). شناسایی و توصیف آبله و سرخک سبب شد رازی و آثارش در اروپا و جهان اسلام بسیار مورد توجه قرار گیرد. «آبله یک عفونت ویروسی است که منجر به تاول‌های کوچک و خارش‌دار شده که در نهایت پوسته پوسته می‌شود. این تاول‌ها معمولاً از قفسه سینه و صورت آغاز می‌شود و سپس به دیگر نقاط بدن گسترش می‌یابد» (۱۲). منشأ آبله ناشناخته است. «اولین توصیف مکتوب از بیماری مانند آبله در قرن چهارم پس از میلاد در چین ظاهر شد. توصیفات نوشتاری اولیه نیز در قرن هفتم در هند و در آسیای صغیر در قرن دهم ظاهر شدند» (۱۳). «نشانه‌هایی از آبله بر روی صورت مومیایی رامسس پنجم - که در سال ۱۱۵۷ پیش از میلاد درگذشت - برخی را به این باور می‌رساند که سابقه آبله به ۳۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد» (۶). سومین پزشک و فیلسوف نامدار، ابوعلی حسین بن عبدالله بن

حسن بن علی بن سینا است که در سال ۳۷۰ قمری در بخارا متولد شد. شهرت طبابت وی از درمان قولنج نوح بن منصور سامانی آغاز شد. از این رو به «کتابخانه سامانیان که تحت سیطره فکری اقلیدس، ارسطو و دیگر متفکران یونانی بود، دسترسی پیدا کرد. این مهم سبب شد مبنای طب ابن سینا بر تفکرات و نظرات جالینوس، بقراط و طب هندی استوار گردد» (۸). بوعلی به مدت چند قرن به نام‌هایی همچون امیر پزشکان، ارسطوی اسلام و... نامیده می‌شد، لذا تألیفات وی تأثیرات به سزایی در پزشکی مغرب زمین و طب اسلامی بر جای گذاشت. نتیجه نبوغ این پزشک ایرانی تألیف کتاب «القانون فی الطب» است. این کتاب بزرگ مشتمل بر پنج کتاب است؛ «اصول کلی، ادویه مفردة، بیماری‌های اعضای خاص، بیماری‌های موضعی و ادویه مرکبه» ابن سینا توانست تألیفات پیشین و مکاتب پزشکی متعدد و همچنین اصول طب نظری و عملی را در کتاب خود خلاصه کند و به این ترتیب نگرشی جامع و روشمند را پایه‌ریزی کرد.



تصویر ۵: تصویر آبله نسخه خطی ژاپن، ۱۷۲۰ میلادی (۱۴).



تصویر ۶: تامتومو دیو آبله را از جزیره اوشیما بیرون می‌کند، تراش چوب رنگی، ژاپن، ۱۸۵۳-۱۸۵۱ میلادی (۱۵).



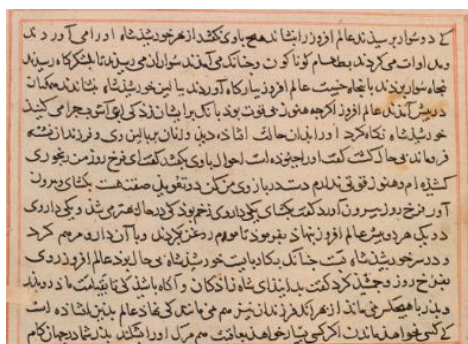
تصویر ۷: الهه آبله، آسیای مرکزی - تبت، موزه چغتای (۱۶).

شناختن انواع زهرها، راه‌های حفظ تندرستی، درمان زخم‌ها و در کل در چگونگی شناخت بدن انسان آثاری را تألیف کرد و در این عناوین تبحر داشت. مهم‌ترین مؤلفه پیشرفت و ثبات جایگاه علمی جرجانی به این دلیل است که «سلطان محمد خوارزمشاه در پی آن بود که عظمت دربارش با بزرگی دربار سلجوقیان برابری کند و آوازه شکوه درگاهش به اقصای نقاط امپراطوری برسد. از این رو بسیاری از علما، اندیشمندان و شعرا را به خوارزم و دربار خود کشاند و درگاهش محل حضور نویسندگان، ادیبان و علما بود» (۱۸).

۳. درمان بالینی در نسخ ادبی: در برخی از آثار ادبی، شیوه‌های درمان و نوع بیماری‌هایی که توسط پزشکان توصیه‌شده به انحای گوناگون ذکر شده است. در بعضی از این نسخ این درمان‌ها به تصویر کشیده شده است. اهمیت و ارزش این آثار از این جهت است که متون طبّی و شیوه درمان در بخشی از روایت و داستان ذکر شده است. نکته قابل توجه این است که تصاویر غالباً همسو با متون طبّی بوده و راه‌های پیشگیری و درمان آن را نشان می‌دهد. اهمیت دیگر این نسخ مصور این است که اشاره به بیماری‌ها و شیوه‌های درمانی دارد که بالینی بوده یا ملاقات طبیب با بیمار را دربر می‌گیرد. برخی از بیماری‌هایی که در متون و آثار ادبی ذکر شده است، در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

در میان پزشکان فارسی‌نویس باید به حکیم ابوابراهیم اسماعیل بن حسن بن محمد علوی حسینی که در سال ۴۳۵ در جرجان - گرگان کنونی - متولد شد، اشاره کرد. اسماعیل جرجانی به عنوان پزشک خوارزمشاهیان، با تألیف کتاب‌های پزشکی به زبان فارسی، به درمان بیماران می‌پرداخت. جرجانی را می‌توان از یک جهت مورد ستایش قرار داد؛ از قرن چهارم تلاش‌هایی در جهت احیای زبان فارسی آغاز شد، پس از آن حفظ میراث فرهنگی شدت گرفت که تلاش‌ها و رسالات جرجانی بی‌تأثیر نبود. از نظر سیریل الگود «شهرت جرجانی در تألیفات طبّی وی به زبان فارسی است». به این ترتیب «جرجانی همان خدمتی را که کتاب مقدس به نثر انگلیسی کرد، به فرهنگ فارسی تقدیم کرد» (۱۷). ساختار کتاب مشهور وی، یعنی «ذخیره خوارزمشاهی» بسیار شبیه به قانون ابن سیناست. با این تفاوت که وی در این کتاب تمام دانسته‌های پزشکی تا قرن ششم را در اثر خود جمع‌آوری کرده و آن را گسترش داده است و در تقسیم‌بندی فصول سعی داشت تا از جزئیات آغاز کند (۳). در نهایت جرجانی دایره‌المعارف خود را با کتاب مربوط به داروشناسی و داروسازی به پایان رساند.

جرجانی نزد ابوالقاسم عبد الرحمان بن علی نیشابور، بقرط ثانی طبّ آموخت. بنابراین می‌توان تأثیر پزشکی بقرط را در تألیفات جرجانی مشاهده کرد. جرجانی در درمان بیماری‌ها،



تصویر ۸: زخم‌یافتن خورشیدشاه و درمان آن، برگی از سمک عیار، کاتب: ابن ابی القاسم شیرازی، کتابخانه بادلین (۱۹).

۱-۳. **درمان زخم:** در بخشی از کتاب سمک عیار در مورد درمان زخم و داروی آن ذکر می‌شود که میان آمده است. عالم افروز، سمک عیار، به دیدار خورشیدشاه رفته و او را در بستر بیماری می‌بیند. سمک عیار از فرخ روز، پسر خورشیدشاه، در جهت بهبود بیماری پدر کمک می‌طلبد و از او می‌خواهد دو تعویذ از بازوی او در بیاورد. یکی از این دو داروی زخم شاه است. وی دستور داد با موم و روغن مرهم تهیه کنند و آن را به شاه دهند تا شاه بهبود پیدا کند (۱۹). سمک عیار رمانی است مشهور و قدیمی به زبان فارسی در سده ششم قمری نوشته شده و داستان‌های این کتاب به دست فرامرز پسر خداداد پسر عبدالله ارجانی جمع‌آوری و تألیف شده است. در این نگاره که متعلق به این رمان است، زخمی‌شدن خورشیدشاه و بهبود آن با موم و روغن را به تصویر می‌کشد. «بر اساس شواهد تاریخی، موم عسل از حدود ۲۰۰۰ سال پیش از آنکه باکتری کشف شود، برای درمان زخم‌های عفونی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در سال ۵۰ قبل از میلاد در کتاب «گیاهان دارویی» دیسکوریدوس، بیان شده که عسل زرد کم‌رنگ از ناحیه آتیکا (Attioca) بهترین عسل است و ارسطو وقتی که درباره عسل بحث می‌کند به عسل زردرنگ به عنوان یک ماده مؤثر در درمان زخم‌های چشم و زخم‌های پوستی اشاره می‌کند» (۱۰). مصریان باستان، آشوری‌ها، چینی‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها عسل را برای التیام زخم‌ها و بیماری‌های شکم به کار می‌بردند، به طوری که محتویات یک پاپیروس مصری مربوط به ۳۵۰۰ سال قبل کاربرد عسل در درمان زخم‌ها، بیماری‌های گوارشی، چشم و کلیه را نشان می‌دهد (۲۰).

ابوعلی سینا درباره خواص عسل در کتاب قانون در طب می‌نویسد: «عسل دستگاه‌های درونی بدن را تقویت، نیرو را زیاد و اشتها را باز می‌کند. عسل جوانی را جاودان و حافظه را نیرو می‌بخشد. عسل در محو زخم‌های چرکین و ریشه‌دار مؤثر است و به درمان آن‌ها کمک می‌کند. تاریکی دید را می‌زداید و بهترین درمان عفونت‌های لثه است. همچنین دردهای شکم، سرفه، مارگزیدگی، اختلالات تنفسی و دردهای مفصلی را تسکین می‌دهد» (۲۱). همچنین ابن سینا برای ترمیم زخم‌های

سوختگی عسل را به همراه روغن گرم پیشنهاد می‌کرد (۲۲). بنا به توصیه‌های پزشکی ابن سینا ترکیب موم و روغن قرن‌هاست که در درمان زخم‌ها استفاده می‌شوند، تا جایی که امروزه در نظر دانشمندان خواص این دو به قدری است که تقریباً به عنوان یک نسخه ثابت در طب سنتی برای بسیاری از بیماری‌ها، از گذشته تا به امروز مورد استفاده قرار گرفته است. عسل در طب سنتی یک نوشیدنی سالم محسوب می‌شود. پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) استفاده از عسل را برای درمان اسهال توصیه کرده است (۲۳). قرآن کریم ارزش بالقوه درمانی عسل را به روشنی نشان می‌دهد: «و پروردگارت به زنبور عسل آموخت که حجره‌های خود را در تپه‌ها و درختان و در خانه‌های (مردم) بسازد... از درون بدنشان نوشیدنی‌ای به رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن برای انسان‌ها شفا است، همانا در این نشانه‌ای است برای اهل تفکر». بنابراین قرآن به استفاده از عسل در درمان بیماری‌ها و زخم‌ها اشاره کرده است (۲۴).

از این رو یکی از مطالعه‌شده‌ترین و مؤثرترین کاربردهای عسل در التیام زخم‌ها است. تقریباً همه انواع زخم‌ها مانند سایش، آبرسه، قطع عضو، زخم بستر، سوختگی، زخم‌های سرد، ترکیدگی زخم شکمی، ترک‌خوردگی نوک سینه‌ها، دیابتی بدخیم، جذام، تروماتیک، دهانه رحم، زخم‌های جراحی یا زخم‌های دیواره شکم به عسل درمانی پاسخ می‌دهند. استفاده از عسل به عنوان پانسمان زخم منجر به تحریک روند بهبودی می‌شود و عفونت را به سرعت از بین می‌برد. عسل دارای خاصیت پاک‌کنندگی بر روی زخم‌ها، تحریک بازسازی بافت و کاهش التهاب است. پدهای آغشته به عسل به عنوان پانسمان بافت غیر چسبنده عمل می‌کنند (۲۵).

۲-۳. **در باب بیماری صرع:** در طب نوین صرع نوعی از بیماری‌های مغز و اعصاب است که فرد مبتلا، از تشنج‌های مکرر رنج می‌برد که علت زمینه‌ای آن به سرعت قابل برطرف کردن نیست، لذا عامل آن تخلیه‌های نا به جای مغزی است که منجر به اختلالات هوشیاری، حسی و حرکتی می‌شود.



تصویر ۹: درمان صرع از اطلس جراحی (جراحی شاهنشاهی)، ۱۴۶۵ میلادی، مجموعه مؤسسه آتاتورک تاریخ مدرن ترکیه، هنرمند: Seferreddin Sabuncuoğlu (۲۶).

خود را از دست می‌دهد و ناگهان می‌افتد؛ بدین علت است که این بیماری، صرع نامیده می‌شود.

صرع، بیماری‌ای است که در آن افعال آلت‌های حس و حرکت (حس و حرکت اندام‌ها) ناتمام (مختل) می‌شوند و بیمار تعادل



تصویر ۱۰: راهی برای درمان صرع نسخه خطی اسلوانه (Sloane)، اواخر قرن دوازدهم میلادی، موزه بریتانیا (۲۷).



تصویر ۱۱: دکتر و مرد در حال غش، خمسه نظامی، ایران، ۱۴۴۰ میلادی، دانشگاه هاروارد مجموعه ساتبی (۲۸).



تصویر ۱۲: عیسی مسیح یک پسر صرعی را درمان می‌کند، منسوب به «نقاش سوم انجیل گلازور»، ارمنستان، ربع اول قرن چهاردهم میلادی (۲۹).

مصروع بود دریا کف بر لب آوریده
آمد سنان خسرو بنوشت حرز حالش
خَم صرع دار آشفته سر بر کف بر لب آورده زبر
وان خیک مستسقی نگرده در سینه صفرا داشته
خَم چو پری گرفته‌ای یافته صرع و کرده کف
خط معزمان شده برگ رز از مزعفری (۳۱)

از آنجایی که ابن سینا بیشتر به درمان این بیماری پرداخته و درمان‌های متعددی را در مورد انواع صرع بیان داشته است، ترکیبات متعددی را از داروهای سنتی با منشأ گیاهی و حیوانی برای درمان صرع ذکر کرده است. وی مخصوصاً عنوان می‌کند که حرکات در زمان تشنج از نوع انقباض و انعصار (فشردن) است و استرخاء و انبساط نیست. بوعلی سینا اظهار می‌دارد صرع تشنجی است که به مغز ارتباط دارد، در ضمن او در تعریف حالت صرع (زمان حمله تشنج) می‌گوید:

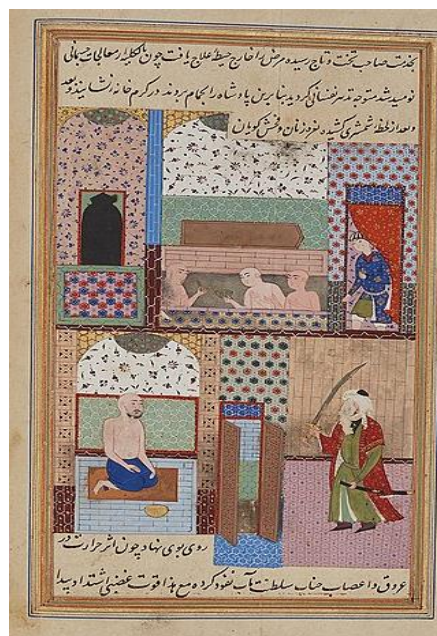
جرجانی و ابن سینا نیز همین تعریف را از صرع دارند و دیگر پزشکان نامدار همچون زکریای رازی و بهالدوله رازی نیز درباره صرع و علل آن اظهاراتی برجای گذاشته‌اند. همچنین خاقانی از شعرای ایرانی قرن ششم، به بیماری صرع اشارات بسیاری کرده است؛ از کلام این شاعر برمی‌آید که «در روزگار قدیم بیمارانی که به صرع دچار هستند را به زنجیر می‌بستند و علامت ظاهری این بیماری را بیرون‌ریختن کفی زردی از دهان می‌دانستند» (۳۰). از آنجایی که در دوران باستان این مرض را بیماری کاهنی، بیماری مقدس، دیوزدگی و یا پری‌گرفتگی می‌خواندند، اعتقاد داشتند بر اثر حلول جن و شیطان در وجود آدمی عارض می‌گردد و در درمان آن از کاهنان و جادوگران کمک می‌طلبیدند و اشعار زیر نمایانگر چنین باورهایی است:

«بیمار دچار اضطراب و لرزش شدید در بدن می‌شود که پس از آن سکونی مدت‌دار را تجربه می‌کند و رازی نیز با او هم عقیده است» (۳۲). بنا به تعاریف پزشکان طب اسلامی مهم‌ترین نشانه‌های صرع، غش، سرگردانی، رفتار جنون‌آمیز، نفس تنگی و بیهوشی است. با توجه به تصاویر پیش رو، تصویرگر به خوبی توانسته فرد بیمار را با علائم بیماری فوق‌الذکر مورد تطبیق قرار دهد.

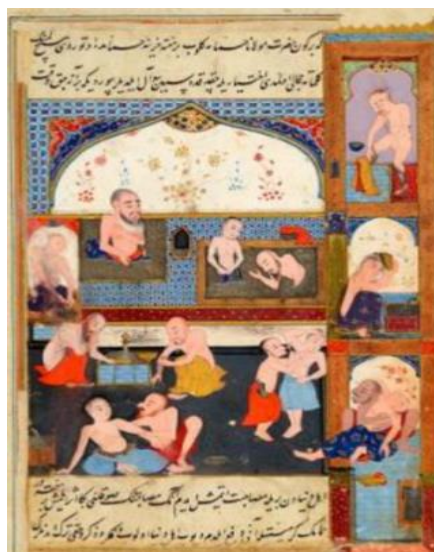
مهم‌ترین سهم به کارگیری اصطلاح صرع به ابن سینا باز می‌گردد. ابن سینا این واژه را از یک فعل لاتین به معنای «برخورداری از نیروهای خارجی» ابداع کرد. او این تعبیر را در کتاب قانون خود آورده و تاکنون ادامه پیدا کرده است. به نظر می‌رسد استفاده مداوم از این اصطلاح تا به امروز ناشی از نوشته‌های ابن سینا است. جالب این است که «ابن سینا و

بقراط (همانطور که در کتاب مقدس ۴۰۰ ق.م آمده است) نتوانستند نوشته‌های خود را از تصور عمومی که علت آن را فوق طبیعی می‌پنداشتند، جدا کنند» (۳۳) تا جایی که برخی از پزشکان اروپایی تا ۲۰۰ سال پیش صرع را کار جادوگران می‌پنداشتند.

از آنجایی که این بیماری به اختلالات مغزی مربوط می‌شود، می‌توان به استناد برخی منابع، تبحر و تشخیص رازی را در بیماری‌های مغزی مطمح نظر قرار داد. رازی در کتاب‌هایی همچون «الطب روحانی یا طب النفوس: راه‌های درمان بیماری‌های روانی که مایه تباهی جسم و جان می‌شوند، را نشان داده است» (۴). همچنین رازی در جزء اول کتاب الحاوی به بیماری‌های مغزی و اعصاب و روان پرداخته و سه فصل از آن به بیماری‌های روانی اختصاص دارد، او از شمار زیادی از منابع یونانی و هندی نیز سود برده که آگاهی ما درباره آن‌ها صرفاً از طریق اوست (۳۴).



تصویر ۱۳: مولوی یک روز را در حمام می‌گذرانند، برگي از ثواقب المنقاب، ۱۵۹۰ میلادی، عراق، کتابخانه دانشگاه مورگان (۳۵).



تصویر ۱۴: حبله‌بازی رازی، از کتاب نگارستان، ۹۸۰ قمری، ایران، کاتب: احمد بن محمد غفاری، جوهر، آبرنگ مات و طلا روی کاغذ، مجموعه آقاخان (۳۶).

۳-۳. رویکرد درمانی حمام یا آب‌درمانی: در نگاره‌ای از کتاب نگارستان (تصویر ۱۴) رازی از طریق حبله‌گری شاه سامانیان را درمان می‌کند. این تصویر مجموعه‌ای از حکایات و حوادث تاریخی به نثر مورخ و محقق احمد بن محمد غفاری است. این تصویر حکایتی در مورد پادشاه سامانی منصور بن نوح (۹۶۱-۷۶ ق.) را نشان می‌دهد که از درد مزمنی در مفاصل رنج می‌برد که حرکت را غیر ممکن می‌کند. زمانی که پزشکان دربار بیماری او را غیر قابل درمان اعلام کردند، محمد زکریای رازی به ملاقات او فراخوانده می‌شود. رازی در این داستان به شاه توصیه می‌کند که به حمام آب گرم برود و مدتی در آنجا بماند. سپس وارد حمام پادشاه می‌شود، فحش می‌دهد و شمشیری بدون غلاف در دست دارد. پادشاه منصور بن نوح که ترسیده و آماده دفاع از خود است، ناگهان می‌تواند دوباره بایستد. شوک باعث جاری‌شدن ماده سمی از مفاصل او شده و او بهبود می‌یابد. این حکایت در منابع و کتب گوناگون با اندکی تغییر نوشته شده است، اما به طور کل روایت آن در اینکه رازی درمان برخی از بیماری‌ها را در حمام انجام می‌داده است، صحه می‌گذارد. علاوه بر این نگاره می‌توان مواردی را نشان داد که پزشکان به درمان در حمام یا «حمام‌درمانی»

توصیه زیادی نموده یا به استفاده از روش‌های درمانی در حمام اشاره کرده‌اند. در برگی از «ثواب المنقاب» (تصویر ۱۳) نیز به نحوی از آب درمانی یا حمام‌درمانی ذکری به میان آمده است: مولوی تنها در یکی از دو حوضی که در داخل شکاف قوسی قرار دارد می‌نشیند تا سرماخوردگی ناشی از «تماس با مردمان بیهوده» را درمان کند. در جای دیگر و با مقداری طنز، فعالیت‌های مختلف حمام به تصویر کشیده شده است. این تصاویر بخشی از روایت خطی قرن هشتم قمری/ شانزدهم میلادی از زندگی و معجزات شاعر و عارف ایرانی معروف به رومی است. این نسخه، ترجمه ترکی است که در سال ۱۵۹۰ توسط سلطان مراد سوم (۱۵۹۵-۱۵۷۴ م.) از نسخه خلاصه‌شده روایت فارسی آن در قرن چهاردهم به درویشی معروف به افلاکی سفارش داده شده است.

نوع دیگر از آب درمانی، قرارگرفتن در «آبن» است. آنچه که از عنوان این تصویر برمی‌آید، احتمالاً مولانا جهت درمان سرماخوردگی در آبن قرار گرفته است. آبن نوعی حوضچه پزشکی بوده که از فلزات و یا مواد دیگر تهیه و در اندازه‌های متناسب با بدن انسان در حالت‌های نشسته یا ایستاده ساخته می‌شد. بیمار در آبن می‌نشسته و آب گرمی که با مواد

دارویی مخلوط شده بود، به مقدار معینی بر روی بدن او ریخته می‌شد (۳۷). به طور مثال ابن سینا در درمان خستگی تا سه بار نشستن در آبن را جایز دانسته است (۲۱). جرجانی به چند ویژگی آب درون آبن، از جمله صاف و خالص بودن آن اشاره و میزان حرارت آب را متناسب با مزاج مردم و فصل‌های سال تعیین کرده است (۳۸). آبن برای درمان بیماری‌های مختلفی، از جمله انواع گوناگون تب‌ها شامل تب ناشی از آفتاب، تب‌های ناشی از غم، خشم، خستگی، تشنگی، تب آماس و بلغمی نوبت‌دار، تب روزانه، تب دق و بیماری‌های دیگری چون بیماری‌های مجاری ادراری، سنگ کلیه، بیماری‌های خاص زنان مانند زخم‌های رحمی، قروح رحم، سوءمزاج و خشکی معده، بیماری‌های اعصاب و روان مانند مالیخولیا، تشنج، بی‌خوابی، غفلت و نسیان، یرقان، بیماران مبتلا به آبله و حصه، بیماری‌های قلبی، صرع کاربرد داشته است (۲۱).

حمام در متون طب ایرانی نه تنها محلی برای پاکیزگی و بهداشت تن بوده، بلکه مکانی برای حفظ سلامت و پیشگیری و درمان بیماری‌ها نیز بوده است. در متون طبی همواره حمام‌ها از جهت خواص درمانی، اصول بهداشتی ساخت و نگهداری مورد توجه قرار می‌گرفتند (۳۹). به عنوان نمونه یکی از ده توصیه طبی «تیاذوق» (Tiyazooq) (تئودوکوس) - از پزشکان دربار اموی - برای بیمارانشدن این بود که می‌گفت باید یک روز در میان به حمام بروی، زیرا آنچه دارو از بدنت خارج نمی‌کند، استحمام خارج خواهد ساخت. در جای دیگر علامه مجلسی به روایتی از امام باقر (ع) اشاره دارد «بهترین دواهای شما حقنه و حجامت‌کردن و دوا در بینی چکاندن و حمام است» (۴۰). همچنین رازی در در مقدمه کتاب الفصول خود اظهار می‌دارد «چون کتاب فصول بقراط را از حیث عدم نظم و تفصیل برای طالبین علم مشکل دیدم، بر آن شدم که به آن نظم و نسقی داده و بصورت کتاب مقدماتی برای دانشجویان رشته طب درآوردم». این کتاب دارای ۲۹ فصل است که اهم فصول آن عبارتست از: ترکیب انسان، مزاج و اقسام آن [...] ورزش و خواص آن، حمام و خواص آن، خواب و

بیداری احتیاج به غذا [...] ترکیب داروها، بیماری‌ها و علل آن، نبض، تنفس، بحران و... (۸).

از مهم‌ترین متونی که در گذشته، ساختمان گرمابه‌ها را از منظر طب موردتوجه قرار داده‌اند، می‌توان آثار ذیل را نام برد:

- ۱- قانون اثر شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا؛ ۲- ذخیره خوارزمشاهی اثر جرجانی؛ ۳- قابوسنامه اثر عنصرالمعالی؛ ۴- رساله دلاکیه اثر کرمانی؛ ۵- کامل الصناعه الطبییه اثر مجوسی اهوازی؛ ۶- حفظالصحه ناصری اثر گیلانی؛ ۷- حفظ صحت و سیاست المذن اثر ساوجی؛ ۸- خلاصه الحکمه اثر عقیلی؛ ۹- آیین شهرداری اثر ابن اخوه؛ ۱۰- مفرح القلوب اثر ارزانی دهلوی؛ ۱۱- ترجمه تقویم الصحه که نویسنده آن ناشناس است، ولی توسط ابن بطلان به عربی ترجمه کرده و به نام او مشهور است (۴۱).

از نظر دانش پزشکی، حمام باید آبش با آتش گرم شده باشد نه آنکه از چشمه‌های گرم باشد (۴۲) و زمین گرمابه را آبپاشی کنند تا بخار فراوان ایجاد شود و هوا نمناک شود (۴۳)، چراکه رطوبت آب و حرارت آتش باعث تعرق بیشتر شده و در بدن پاکسازی صورت می‌گیرد.

حمام‌های قدیمی محیطی در جهت رفع دردهای عصبی نیز بوده است. در حمام علاوه بر حجامت و فصد، اموری نیز مانند مشمت و مال و روغن‌مالی انجام می‌شده است، چراکه پوست را واسط اعصاب بدن با بیرون می‌داند به این ترتیب با روغن‌مالی و مشمت و مال، پوست بدن نرم شده و اعصاب آرام می‌گیرد (۴۴). این عمل مانند حجامت، محل خاصی را به خود اختصاص نداده و می‌تواند در هر نقطه‌ای از فضا اتفاق بیافتد که این خود نه ضعف معماری حمام، که نقطه قوت است، زیرا قابلیت انعطاف‌پذیری بنا را نشان می‌دهد (۳۳).

در همان تصویر افراد را در حال مشمت و مال یکدیگر نشان داده است؛ مشمت و مال همراه با روغن‌های عصاره‌های گیاهی در حمام، یکی از راهکارهای پزشکی کهن بوده که گاه برای درمان بیماری یا پیشگیری از آن استفاده می‌شد. عنوان‌هایی مثل مالش یا ماساژ جزء سرفصل‌های بهداشتی مکتوبات پزشکان ایرانی بوده و دلاکی و کیسه‌کشی در حمام‌های ایرانی

یک امر بهداشتی به حساب می‌آمد، حتی به علت اشتغال عده قابل توجهی به پیشه دلاکی در ایران کتابی تخصصی با عنوان «رساله دلاکیه» برای صاحبان این حرفه تألیف شده است (۴۵).

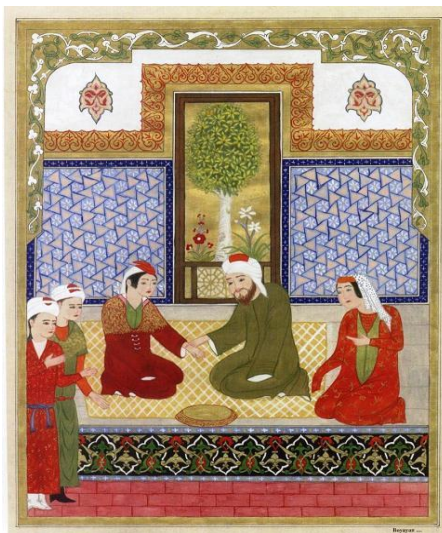
روغن‌درمانی به صورت ماساژ انجام می‌شد که بعضی از پزشکان برای این امر مخلوطی از چند روغن را مؤثرتر می‌دانستند. ابن سینا نیز توصیه به روغن‌مالی و انجام عمل فصد در حمام کرده است. روغن گل و نوره در حمام بر بدن خود بمالند و کسی که خونس صاف نیست و نیاز به انجام عمل فصد دارد، فضولات بدن خود را با فصد و روغن‌مالی از بدن خود بیرون نماید (۴۳). روغن‌مالی برای درمان بیماری‌هایی از جمله بیماران دق نیز مفید است، زیرا افراد مبتلا به این بیماری که برای تحصیل رطوبت به حمام می‌روند، باید موقعی در آب بمانند و خود را شستشو دهند که

احساس خستگی نکرده‌اند و پس از آن بدن خود را روغن بمالند، زیرا روغن باعث می‌شود آب در سوراخ‌های زیر پوست بماند و در نتیجه رطوبت مورد نیاز به دست بیاید (۴۳).

با استناد به گفته‌های بقراط و جالینوس در باب ضرورت ورزش، دلک، روغن مالی، استحمام و نظایر آن‌ها که با حرکات قوی همراهند نوعی ورزش محسوب می‌شوند. از نظر حکما برانگیخته‌شدن حرارت درونی به کمک حرکت اعضا شایسته‌ترین راه کمک به حرارت درونی فرد در اداره بدن است؛ همچنانکه سیداسماعیل جرجانی می‌گوید «حرارتی که مدد حرارت غریزی را شاید و از گوهر اوست، حرارتی است که از حرکت اندام‌ها تولد کند.» همچنین در جای دیگر او اذعان دارد که «ماساژ کل بدن را یکی از پایه‌های درمان در انواع خستگی‌ها یا ماندگی‌ها ذکر می‌کند» (۲۰).



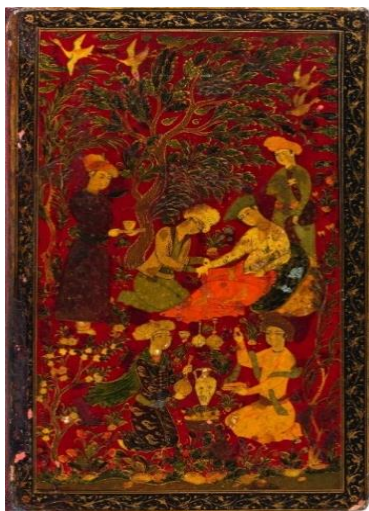
تصویر ۱۵: دکتر نبض بیمار را می‌گیرد، ۱۸۹۰ میلادی، آبرنگ، هنرمند: ژوپی کون (۴۶).



تصویر ۱۶: معاینه نبض توسط نظامی ۱۹۵۴ میلادی، کتابخانه موزه هنر ترک اسلامی (۴۷).

رساله رگ‌شناسی یا رساله در نبض بوعلی می‌توان مورد مطالعه قرار داد. «علم رگ که علم نبض خوانند، علم حال روح است و بیشتر دلیل بودن نبض بر حال دل است، زیرا که دل جایگاه - زایش - روح است» (۴۸).

۳-۴. گرفتن نبض بیمار: در بحث طب و رعایت بهداشت و نکات بهداشتی زنان نقش مهمی را ایفا می‌کردند. این مهم در تصاویر ذیل پرواضح است. رگ‌شناسی یا تشخیص نبض بیمار را در طب سنتی نه تنها در کتاب قانون ابن سینا، بلکه در



تصویر ۱۷: پزشک نبض زن را می‌گیرد، تابلو صحافی نسخه خطی قانون ابن سینا (۴۹).



است نبض عبارتست از حرکت آوندهای روح انبساط و انقباضی تشکیل شده است تا روح را به وسیله نسیم خنک گردانند. شیخ‌الرئیس در ادامه توضیحاتی در باب انبساط ارائه می‌دهد «هر نبض از چهار بخش تشکیل شده است: انبساط،

بنابراین در بیان اهمیت مبحث نبض در بیانات ابن سینا ذکر این جمله کافی است که نبض جزء چند علامت حیاتی است که به صورت مستمر در پرونده بیمار ثبت می‌گردد و در مطالعه سیر بیماری از آن استفاده می‌شود. در قانون آمده

آرامش، انقباض، آرامش.» بسیاری از اطبا متعقدند که انقباض هرگز احساس نمی‌شود. برخی اعتقاد دارند که حرکت انقباض در نبض اندام نیرومند و اندام سخت محسوس است. قوای شخص، بزرگی اندام، سختی اندام، این حرکت را که خفیف‌تر از انقباض حرکت انبساط است، آشکار می‌سازد.

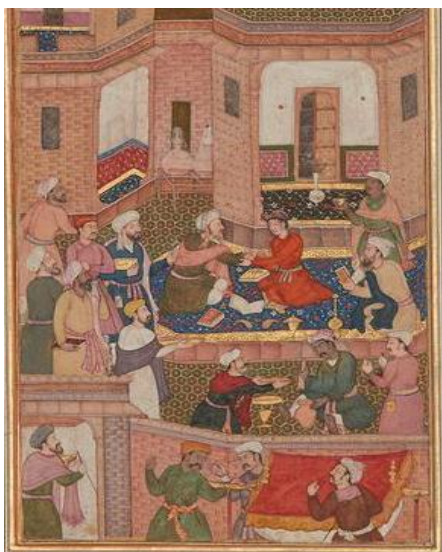
جالینوس می‌فرماید: «من مدتی یقین پیدا کردم که انقباض نیز وجود دارد و از آن به بعد درهایی از شناخت نبض بر من گشوده شدند. اگر کسی در این زمینه همچون من تلاش کند به آنچه من رسیده‌ام او نیز خواهد رسید» و اگر واقعیت چنین باشد که می‌گویند، انقباض نبض در اکثر حالات محسوس نیست. ابن سینا در مبحث نبض، مناسب‌ترین شریان را جهت گرفتن نبض رگ ساعد معرفی می‌نماید و دلایل خود را برای این انتخاب چنین بیان می‌کند. «نخست آنکه این رگ آسان به دست می‌آید؛ دوم آنکه خود را در برابر حس کمتر پنهان می‌دارد؛ سوم آنکه درست مقابل قلب و نزدیک به آن است.» دستور لمس نبض «برای گرفتن نبض باید دست بر پهلوی قرار گیرد، زیرا دست در حالت تکیه‌دادن دارای پهنای و برجستگی زیاد و طول کم، هنگام به پشت‌افتادن دارای طول و برجستگی زیاد و پهنای کم می‌شود. نبض‌گیری باید زمانی انجام گیرد که

صاحب نبض و سرور و ورزش و هر واکنش دیگری به دور باشد. نه تاره سیر شده باشد و نه گرسنه، نه تازه عادت را ترک کرده باشد و نه عادت را به تازگی کسب کرده باشد، بهتر آنست که نبض اشخاص معتدل‌المزاج را به دست آورد و نبض‌های دیگر را با آن مقایسه کرد.» در مقایسه با طب امروز، وضعیت قراردادن دست و انتخاب معیار سنجش نبض مشابه دستور ابن سینا می‌باشد، عواملی که ابن سینا مؤثر بر نبض دانسته، امروزه نیز مورد تأیید می‌باشند (۲۱). رازی در جلد ششم کتاب الحاوی در باب نبض‌ها مطالبی را بیان کرده است. همچنین کتاب دوم ذخیره خوارزمشاهی جرجانی در نه گفتار است و در آن وضعیت جسم، تندرستی و بیماری، نشانی‌های کلی بیماری‌ها و علل آن‌ها، حالت‌های دم‌زدن، نبض، عرق، ادرار، مدفوع و خلط سینه مورد دقت قرار گرفته است. کتاب پنجم وی در شناختن انواع تب، اسباب و علاج آن در شش گفتار است و موضوع‌های اصلی آن چنین است: تعریف و انواع تب، تب روزانه و اسباب و علامت آن، تب‌های عفونی و اسباب عفونت، تب دق، آبله و حصه و علاج آن، بازگشت بیماری و حالت نقاهت (۵۰).



تصویر ۱۸: پزشک هندی نبض یک بیمار را می‌گیرد، ۱۸۴۰ میلادی، طراحی گواش (۵۱).





تصویر ۱۹: مردی نبض جوانی را می‌گیرد، کلیات سعدی، هند، ۱۶۰۴ میلادی، آبرنگ مات، جوهر و طلا روی کاغذ، مجموعه آقاخان (۵۲).

۵-۳. در باب فصد، حجامت و دود درمانی: اصطلاح فصد

به معنای رگ‌زدن، خونریزی یا خون‌گیری، در پزشکی اسلامی، هم یک شیوه پیشگیری از برخی بیماری‌ها و هم یک شیوه درمانی مؤثر برای مداوای بسیاری از بیماری‌ها به شمار می‌رفته و از قدیم کاربرد داشته و مورد قبول اغلب پزشکان مسلمان بوده است. در واقع به خارج کردن خون از سیاهرگ‌ها و یا به هنگام ضرورت، شریان‌ها که برای مداوای بیماری‌های

مختلف صورت می‌گرفت، فصد گفته می‌شد. بسیاری از پزشکان بزرگ یونانی پیش از اسلام از فصد استفاده می‌کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به اوریباسیوس، بولس، سلس، بقراط و جالینوس اشاره کرد. در اهمیت فصد در دوران خلافت عباسیان همین بس که یکی از جشن‌های رایج در دربار عباسیان، «عیدالاحتجام» بود. در آن روز، خلفای عباسی و سایر بزرگان حجامت و یا فصد می‌کردند (۵۳).



تصویر ۲۰: تصویری از حجامت توسط پزشک در مقامات حریری، عراق، ۱۲۴۰ میلادی، موزه سنت پترزبورگ (۵۴).





تصویر ۲۱: کاسه‌ای با صحنه خونریزی از ایران، نیمه اول قرن سیزدهم میلادی، موزه هنر اسلامی برلین (۴۱).



تصویر ۲۲: نقاشی از خونریزی روی گلدان یونانی، قرن پنجم قبل از میلاد، موزه لوور (۵۵).



تصویر ۲۳: یک پزشک خون پادشاه را می‌گیرد، برگه‌ای از ثواقب المنقاب، عراق، ۱۵۹۰ میلادی، ۱۴×۲۰، کتابخانه دانشگاه مورگان (۵۶).

پزشکان مسلمان همچون یوحنا بن ماسویه، ابن ربن طبری، زکریای رازی، ابن سینا، جرجانی به فصد و فواید آن اشاره کرده‌اند. از جمله تألیفات طبی قدیم که مطالب و بخش‌هایی درباره فصد دارند، می‌توان به «فردوس الحکمة» ابن ربن طبری، «الحاوی»، «المنصوری فی الطب» و «من لایحضره الطبیب» تألیف محمد بن زکریا رازی، «هدایة المتعلمین فی الطب» اخوینی بخاری، کتاب «التصریف لمن عجز عن التألیف» ابوالقاسم زهراوی، «قانون» ابن سینا، «حَقَقِ علائی» و «ذخیره خوارزمشاهی» تألیف سیداسماعیل جرجانی اشاره کرد. این کتاب اخیر، شامل یکی از مفصل‌ترین گزارش‌ها درباره این روش درمانی است (۵۷). در اشعار فارسی نیز با کنایات و استعارات به فصد اشاره شده است:

خسرو و شیرین:

چو خون در تن ز عادت بیش گردد
سزای گوشمال نیش گردد

صائب:

نعمت الوان دنیا مایه دردسر است
خون فاسد در بدن آهنربای نشتر است (۳۱)

همچنین یکی از جهانگردان اظهار می‌دارد: «پزشکان زیادی در ایران هستند و برخی از آنان می‌توانند خون بگیرند و در این کار بسیار ماهرند. آنان بند چرمی را سخت به بازو می‌بندند و سپس بدون مالش دادن یا نگاه کردن زیاد به حمل مورد نظر، به وسیله نیشتَر، ماهرانه نیشتَر می‌زنند» (۵۸).

خونریزی یا خون‌گیری یک روش پزشکی قدیمی است که زمانی رایج بوده است. در برگی از ثواقب المناقب (تصویر ۲۳) در باغی در فضای باز، پزشک دربار خون پادشاه خود را که در یک حوض طلایی که توسط یک زانو زده جمع‌آوری شده است، می‌دهد. جوانان در پس‌زمینه، بین شاه و دکتر، یک دستگاه بخور دود سیاه منتشر می‌کنند (بلخی یک بار برای اینکه ثابت کند انسان فقط به خواست خدا زندگی می‌کند و نه با خون، خونس را کاملاً تخلیه کرد، به حمام آب گرم رفت

و سماع را انجام داد). با مشاهده همان تصویر باید اذعان داشت، یکی دیگر از روش‌های درمانی طب ایرانی، دوددرمانی است که در تمدن‌های قدیم نیز انجام می‌شده است. در دوران کهن انسان برای افزایش سطح سلامت زندگی خود از سوزاندن گیاهان دارویی استفاده می‌کرد. در اثر سوختن، حرارت بالایی ایجاد می‌شود و دود آن محیط را پاک کرده و آن را ضد عفونی می‌کند. آثار باستانی باقی‌مانده از زمان داریوش در یک سنگ‌تراشی در پرسپولیس نمایش می‌دهد که در مقابل پادشاه دو مجمر وجود داشته که در یکی اسپند و در دیگری صندل را می‌سوزاندند تا پادشاه را در مقابل شیاطین و بیماری‌ها حفظ کنند (۵۹). طبری بیان داشته است که اگر کسی مزاج او سرد باشد، نوره را با آب مرزنگوش یا نماد و شیخ بسرشند و سر را با ختمی و یا ترمس و یا بوره ارمنی بشویند و سر را با زهره گاو و بوره ارمنی بشویند و اگر بتوانند در گرمابه عود پرورده در عسل بخور کنند و کست و کندر که بهترین است، بخور دهند و این نشان از آن است که وی به اثر دود درمانی واقف بوده است (۶۰). از توصیه‌های دیگری که در این زمینه وجود دارد، این است که بعد از بیرون آمدن از حمام، بخور درمانی با عودی که در میان کافور یا مشک است، در بدن تأثیر دارد (۶۱).

بحث

علم پزشکی و سایر علوم نظیر نجوم، جغرافیا در اعصار گذشته و حال، ارتباطات مؤثری با هم داشته‌اند. همه این علوم نیز بدون تردید با ادبیات ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند و یکی از دلایل مهم آن، انتقال دستاوردها و نتایج تأمل و تفکرات آن‌ها به وسیله نوشتار است.

نتیجه‌گیری

در آثار ادبی در دوره‌های مختلف، روایات و داستان‌هایی مشاهده می‌شود که در آن به نحوی به بیماری‌های شایع در دوران خود اشاره داشته و گاه به طور مفصل آن را شرح داده و علائم آن‌ها و شیوه‌های درمان و معالجه یا تجویز نسخه در

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

آن‌ها ذکر شده است. با بررسی برخی از تصاویر درمان‌نگاری و متون شرح بیماری‌های ذکرشده در این آثار و شیوه‌های درمان بالینی آن‌ها، می‌توان به طور قاطع عنوان نمود که شرح این بیماری‌ها نشان از آشنایی نویسندگان با کتب پزشکی زمان خود (یا پیش از آن) دارد. این آگاهی از بیماری‌ها و روش‌های درمان بالینی را می‌توان در تصویرنگاری این نسخ نیز مشاهده نمود که در اکثر موارد با متون ذکرشده منطبق هستند. تصاویر درمان‌نگاری در این نسخ مسلماً به فهم صحیح از بیماری‌های شایع و شیوه‌های درمان آن به علم طب کمک زیادی نموده است، به ویژه اینکه در قالب داستان‌ها و روایات به شیوه‌های نظم و نثر بیان شده‌اند. از سوی دیگر، این تصاویر و متون اطلاعات بسیار مفیدی در خصوص بیماری‌های رایج آن دوران، نوع تغذیه و تجویزهای دارویی گیاهی و درمان‌های بالینی به دست می‌دهد که مسلماً به عنوان منابع و مستندات در تاریخ پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش‌های درمانی مختلفی نیز در این نسخ تصویرسازی و عنوان شده‌اند، روش‌هایی نظیر فصد، حجامت و دوددرمانی، آبدرمانی و

مشارکت نویسندگان

علیرضا طاهری: نظارت و راهنمایی کامل بر مقاله، تجزیه و تحلیل و معرفی منابع.
مژده شرفخواه: ایده اصلی مقاله، فیشبرداری، نگارش مقاله و جمع‌آوری منابع.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

References

1. Azhand Y. Iranian painting: A research in the history of painting and painting in Iran. Tehran: Samt Publications; 2018. [Persian]
2. Available at: https://www.dlmenetwork.org/library/catalog/harvard_scw-13545. Last Visited Aug, 2023.
3. Velayati AA. History of culture and civilization of Islam and Iran: Special for medical sciences. Tehran: Maarif Publications; 2010. [Persian]
4. Nasr H. Science and civilization in Islam. Translated by Aram A. Tehran: Elmi & Farhangi Publications; 2020. [Persian]
5. Available at: <https://www.gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8422960m>. Last Visited Aug, 2023.
6. Available at: <https://askabiologist.asu.edu/vaccine-discovery>. Last Visited Aug, 2023.
7. Ameri F. Galen's medicine and Greek medical schools. Journal Philosophy of Science. 2020; 9(2): 177-194. [Persian]
8. Khairy M. Famous scholars of Islam. Tehran: Atai Publications; 1963. [Persian]
9. Available at: <https://www.cdc.gov/smallpox/history/history.html>. Last Visited Aug, 2023.
10. Shayeste Azar M, Yusefpour M, Shayeste Azar SH, Aghajani S. The view of Islam and traditional and modern medicine about honey. TaAli Balini. 2015; 4(1): 44-56. [Persian]
11. Available at: <https://www.kutuphane.istanbul.edu.tr/en/>. Last Visited Aug, 2023.
12. Mofatteh MR, Ziaifard M, Makhmalbaf GH-M, Nabai M. Epiglottitis: A rare bacterial complication following chicken pox. Journal Birjand University of Medical Sciences. 2008; 15(1): 80-84. [Persian]
13. Available at: <https://www.trtworld.com/magazine/meet-the-9th-century-muslim-polymath-who-discerned-smallpox-from-measles-36226>. Last Visited Aug, 2023.
14. Available at: <https://www.jstor.org/stable/community.24790710>. Last Visited Aug, 2023.
15. Available at: <https://www.jstor.org/stable/community.24903908>. Last Visited Aug, 2023.
16. Available at: <https://www.jstor.org/stable/2055600>. Last Visited Aug, 2023.
17. Cyril L. Medical history of Iran and Eastern Caliphate lands. Translated by Farqani B. Tehran: Amir Kabir Publications; 1978. [Persian]
18. Khosrobigi H. Khwarazmshahi administrative organization. Tehran: Persian Language and Literature Academy; 2010. [Persian]
19. Available at: <https://www.digital.bodleian.ox.ac.uk/objects/1104b92d-4424-477d-b8f3-1899a08573df/surfaces/1d4798e9-e0ee-40c2-83da-ee75a13240eb/>. Last Visited Aug, 2023.
20. Jaladat AM, Nimrozi M, Karimi M, Hashemi M, Falah M, Attarzadeh F. Massage therapy in traditional Iranian medicine. Journal Teb TavanBakhshi. 2012; 1(3): 51-61. [Persian]
21. Sina AA. Hefzalsehe. Tehran: The Treasure of Baharestan: Museum Library and Islamic Council Documents Center; 2007. [Persian]
22. Moradi Asl A, Vatan Dost H, Shamshad KH, Salari Jozem M, Rafi Nejad J. An overview of bee therapy in Iran and the world. Journal Toulou Behdasht. 2013; 12(1): 178-188. [Persian]
23. Akhta S, Aziz H. Perception of epilepsy in Muslim history; with current scenario. Neurology Asia. 2004; 9(Supplement 1): 59-60. [Persian]
24. Purbafrani A, Ghazizade Hashemi A, Bayyenat S, Taghizade Moghaddam H, Saeidi M. The Benefits of Honey in Holy Quran. International Journal of Pediatrics. 2014; 9(2): 67-73. [Persian]
25. Oskouei T, Najafi M. Traditional and Modern Uses of Natural Honey in Human Diseases. Iranian Journal of Basic Medical Sciences. 2013; 16(6): 731-742. [Persian]
26. Available at: <https://www.ata.boun.edu.tr/>. Last Visited Aug, 2023.
27. Available at: <http://www.epilepsiemuseum.de/alt/si cepilepticusen.html>. Last Visited Aug, 2023.
28. Available at: https://www.digitalcollections.library.harvard.edu/catalog/8001602917_URN-3:FHCL:32604750. Last Visited Aug, 2023.
29. Available at: <https://www.library.ucla.edu/about/programs/digital-library-program/>. Last Visited Aug, 2023.
30. Madan Kan M. A look at the Khaqani world. Tehran: Academic Publishing Center; 1997. [Persian]
31. Bagheri Khalili AA. Dictionary of medical terms in Persian literature. Babolsar: Mazandaran University; 2003. [Persian]
32. Ahmad Beigi S, Jafarian AA, Hashem Dabaghian F, Ali-asl J, Vaezi A. A review of gastric involvement epilepsy from the perspective of traditional Iranian

- medicine. *Journal Medical History*. 2014; 6(19): 139-152. [Persian]
33. Hashemi M, Molayi S, Khwir Andish H, Tabasi M. Study of medical principles: The hidden dimension in the architecture of Iranian baths. Tehran: Presented at the First International Congress of New Horizons in Architecture and Urban Planning; 2014. [Persian]
34. Mousavizadegan S. Diagnosis and treatment of nervous and mental diseases according to Abu Bakr Muhammad bin Zakariya Razi. *Journal Traditional medicine of Islam and Iran*. 2016; 8(1): 91-102. [Persian]
35. Available at: <https://www.themorgan.org/collection/treasures-of-islamic-manuscript-painting/43>. Last Visited Aug, 2023.
36. Available at: <https://www.agakhanmuseum.org/collection/artifact/akm272.f46v>. Last Visited Aug, 2023.
37. Shams Al-Dini P. water dispenser: Medical encyclopedia of Islam and Iran. Tehran: Amir Kabir Publications; 2012. [Persian]
38. Jorjani SEI. Al-Aghraz al-Tabiyyah and al-Mabahari al-Laiyyah. Edited by Taj Bakhsh H. Tehran: Tehran University Printing and Publishing Institute; 2006. [Persian]
39. Khodadadian A. Medicine and health and treatment methods in ancient Iran. *Journal Honar&Mardom*. 1978; 177&178: 63-74. [Persian]
40. RahimiMehr V, Motedayen H, Mehrabani M. Traditional baths; Health preserver, treatment agent. *Journal Bagh Nazar*. 2017; 14(50): 21-34. [Persian]
41. Available at: <https://www.smb.museum/museen-einrichtungen/museum-fuer-islamische-kunst/home/>. Last Visited Aug, 2023.
42. Kermani MKI. Resaleye Dalakiye. Tehran: Institute of Medical History Studies, Islamic Medicine and Complementary University of Medical Sciences; 2008. [Persian]
43. Sina AA. Canon dar teb. Tranclated by Sharafkandi AR (Hehe Jar). Tehran: Soroush Publications; 2010. [Persian]
44. Naser al-Hakma M. Hefz al-Sehat Nasser. Edited by Rezapour N. Tehran: Traditional Medicine of Iran; 2011. [Persian]
45. Kermani M K-EB E. Dalakiye. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2008. [Persian]
46. Available at: <https://www.artuk.org/discover/works/chinese-medicine-a-practitioner-massages-a-patients-shoulder-239641>. Last Visited Aug, 2023.
47. Available at: <https://www.muze.gov.tr/muze-detay?SectionId=TIE01&DistId=TIE>. Last Visited Aug, 2023.
48. Razi Z. Angiology or treatise on the pulse. With an Introduction, Margins and Corrections by Seyyed Mohammad Mashkoh. Hamadan: Bo Ali Sina University; 2005. [Persian]
49. Available at: <https://www.wellcomecollection.org/works/mw9d97dv>. Last Visited Aug, 2023.
50. Taj Bakhsh H. Seyed Ismail Jorjani: The founder of Parsi medicine. *Journal Ayene Miras*. 2010; (47): 61-86. [Persian]
51. Available at: <https://www.wellcomecollection.org/works/w5uxybyk>. Last Visited Aug, 2023.
52. Available at: <https://www.agakhanmuseum.org/collection/artifact/various-medical-opinions-akm284.7>. Last Visited Aug, 2023.
53. GHofrani A, Kadkhodai Kalat N. Bloodletting in Islamic Medicine. *Journal of Islamic History and Civilization*. 2014; 10(19): 31-58. [Persian]
54. Available at: <https://www.nationalgeographic.com/history/history-magazine/article/muslim-medicine-scientific-discovery-islam>. Last Visited Aug, 2023.
55. Available at: <http://www.perseus.tufts.edu/hopper/artifact?name=Louvre+CA+2183&object=vase>. Last Visited Aug, 2023.
56. Available at: <https://www.themorgan.org/collection/treasures-of-islamic-manuscript-painting/48>. Last Visited Aug, 2023.
57. Ghofrani A, Kadkhodaei Kalat N. Fasd in Muslim medicine. *Journal Islamic History and Civilization*. 2014; 10(19): 31-58. [Persian]
58. Navai AH, Ghaffari Fard A-GH. The history of Iran's political, social, economic and cultural developments during the Safavid era. Tehran: Samt Publications; 2002. [Persian]
59. Khosravian Dehkordi F, Jamalfar H, Amin GR, Shahvardi AR, Ahmadian Attari MM, Moesad R, et al. Antimicrobial effects of some medicinal smokes. *Journal Medicinal Plants*. 2017; 1(10): 185-196. [Persian]
60. Tabari A. Ferdows al-Hikma. Researched and translated by Ali Naghi Manzavi AN, Zakir ME. Tehran: Chogan Publications; 2013. [Persian]
61. Razi Z. Taqsim al-Tashjir (Taqsim al-Allal). Translated by Mehranfar M. Tehran: Safir Ardahal Publications; 2009. [Persian]